

المختصر المفيد للمسلم الجديد  
- فارسي -



# مختصر و مفيد، برای مسلمان جديد

تهیه شده توسط:

محمد الشهري



Islamhouse.com



المحتوى الإسلامي

# مختصر و مفید، برای مسلمان جدید

تهیه شده توسط

محمد شهری

۲۰۲۰ - ۱۴۴۱

## شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة




جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع  
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.

 Telephone: +966114454900

 ceo@rabwah.sa

 P.O.BOX: 29465

 RIYADH: 11557

 www.islamhouse.com



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

ستایش از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می خواهیم، و از بدی های نفس خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می بریم، آنکه الله هدایتش کند گمراهگری نخواهد داشت، و آنکه گمراهش کند هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله، که یگانه و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست.

اما بعد:

الله تعالی بنی آدم را گرامی داشت و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خود برتری داد. پروردگار تعالی می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ

كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: 70]

{و بی شک که فرزندان آدم را گرامی داشتیم}. [اسرا: ۷۰] و بر بزرگداشت این امت افزود و بهترین پیامبران محمد - **صلی الله علیه وسلم** - را به سوی آنان فرستاد، و بهترین کتابهایشان قرآن کریم را برایشان نازل کرد، و والاترین شرایع خود یعنی اسلام را برای آنان پسندید. الله تعالی می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [آل

عمران: 110]

{ای امت محمد،} شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار نیک فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به الله ایمان دارید؛ و اگر اهل کتاب [نیز] ایمان می آوردند، قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشتر آنان [فاسق و] نافرمانند {آل عمران: ۱۱۰}. از نعمت های بزرگ الله تعالی بر انسان این



است که بر او منت گذارد و به اسلام هدایتش کند، و به او پایداری و عمل به احکام و شرایع آن را عطا کند. در این کتاب که حجمی اندک اما محتوای با ارزشی دارد، هدایت یافته جدید آنچه را در آغاز اسلام باید بدانند با روشی مختصر می آموزد تا این دین عظیم برایش واضح شود، و پس از فهم و عمل به مقتضای آن به سوی طلب علم و افزودن بر دانسته های خود حرکت کند و در نتیجه شناختش نسبت به پروردگار تعالی و پیامبر محمد - **صلی الله علیه وسلم** و دینش یعنی اسلام افزایش یابد، و در نتیجه الله تعالی را بر اساس بصیرت و علم عبادت کند و به آرامش قلبی دست یابد، و ایمانش با نزدیکی بیشتر به الله تعالی از طریق عبادت و پیروی سنت پیامبر محمد - **صلی الله علیه وسلم** ، بیشتر شود.

از الله تعالی خواهانم که در هر کلمه این کتاب برکت قرار دهد و با آن به اسلام و مسلمانان سود رساند، و خالصانه برای خودش بگرداند، و اجر آن را برای همه مسلمانان - زندگان و مردگان - قرار دهد.

و صلوات الله متعال بر پیامبرمان محمد و بر آل ایشان و جمیع اصحابشان باد.

محمد بن شبیه الشهری

۲ / ۱۱ / ۱۴۴۱ هجری قمری



## پروردگار منالهاست

الله تعالی می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: 21]

{ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید، آن کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید}. [بقره: ۲۱]. الله تعالی می فرماید:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [الحشر: 22]

{اوست الله، آنکه معبود [به حق] نیست جز او}. [حشر: ۲۲]. الله تعالی می فرماید:

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ

فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشورى: 11]

{هیچ چیز مانند او نیست و اوست شنوای بینا}. [شوری: ۱۱].

- الله پروردگار من و پروردگار هر چیز است، او مالک، خالق، رازق و تدبیرگر همه چیز است.

- و تنها اوست که شایستگی عبادت شدن دارد، پروردگار و معبودی جز او نیست.

- او دارای نامهای نیک و صفات والا است. نامها و صفاتی که خودش و پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - برای او اثبات کرده اند و در اوج کمال و زیبایی است. هیچ چیز مانند او نیست و اوست شنوای بینا.

از جمله نامهای نیک او:

رزاق (روزی دهنده)، رحمان (آنکه رحمتش همه چیز را در بر گرفته)، مَلِك (فرمانروا)، سمیع (شنوا)، سلام، بصیر (بینا)، وکیل، خالق، لطیف، کافی، غفور.

رَزَاق: آنکه روزی بندگان را که استواری دلها و بدنهایشان بدان وابسته است، بر عهده گرفته است.



الرحمان: دارای رحمت گستردهٔ عظیم که همه چیز را بر گرفته است.

الْقَدِير: آنکه دارای قدرت کامل است و هیچ ناتوانی یا سستی به آن راه نمی یابد.

الْمَلِك: آن کسی که به صفات عظمت و چیرگی و تدبیر موصوف است، آنکه مالک همه چیز است و در آن تصرف می کند.

السمیع: آنکه همهٔ شنیدنی ها را چه پنهان و چه آشکار درک می کند.

السلام: سالم از هرگونه نقص و آفت و عیب.

البصیر: کسی است که بینایی اش همه چیز را هر چقدر ریز و کوچک در بر گرفته است، آن که نسبت به همه چیز دارای بصیرت است و بر باطن آن آگاه است.

الوکیل: آنکه روزی بندگان را بر عهده گرفته، و قائم به امر آنها بنابر مصلحتشان است، و کسی است که امور دوستانش را بر عهده دارد و کارهای آنان را به سوی یُسْر و آسانی میسر می سازد و از دشواری دورشان می سازد و خود برای کارهایشان کافی است.

الخالق: پدید آورندهٔ اشیا و مخترع آن بدون مثال پیشین.

اللطیف: آنکه بندگان را گرمی می دارد و مورد رحمت قرار می دهد، و درخواستشان را به آنان عطا می کند.

الکافی: آنکه بندگان را با هر آنچه بدان نیازمندند کفایت می کند، و آنکه یاری اش انسان را از هر یاری دیگری و هر کس دیگری بی نیاز می کند.

الغفور: آنکه بندگان را از شر گناهانشان ننگه می دارد، و آنان را به سبب مجازات نمی کند.

مسلمان در خلقت شگفت انگیز الله و روند آن می اندیشد، از جمله مراقبت حیوانات از کودکانشان و غذا دادن و توجه به آنان تا آنکه این کودکان روی پای خود می ایستند. پاک و منزّه است آفریدگارش که در حق آنها لطف می کند، و از جملهٔ لطف او این است که با همهٔ ضعفشان موجودی را مسخر می گرداند که به یاری شان بشتابد و اوضاعشان را بهبود بخشد.

پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم است



الله تعالی می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: 128]

{یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سویتان آمد که رنج دیدنتان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است} [توبه: ۱۲۸]. الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الانبیاء: 107]

{و [ای محمد،] تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم}. [انبیاء: ۱۰۷].

محمد - **صلی الله علیه وسلم** - رحمتی است که به جهانیان هدیه داده شده است

او محمد بن عبدالله - **صلی الله علیه وسلم** - است، خاتم پیامبران و رسولان، که الله تعالی او را با دین اسلام به سوی همه مردم فرستاده، تا آنان را به خیر راهنمایی کند که بزرگترین این خیر، توحید است و آنان را از شر باز بدارد که بدترین آن، شرک است.

طاعت او در آنچه امر می کند و باور به او در آنچه خبر می دهد، و دوری از آنچه نهی می کند واجب است، و نباید الله را عبادت کرد مگر به همان شکلی که او مشروع ساخته است.

رسالت او و رسالت همه پیامبران پیش از او دعوت به پرستش الله به یگانی و بدون شریک است.

از ویژگی های ایشان - **صلی الله علیه وسلم** - :

راستی، مهربانی، شکیبایی، صبر، شجاعت، گرم، خوش اخلاقی، عدالت، تواضع و گذشت.

## قرآنسختنپروردگارمناست

الله تعالی می فرماید:



﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَنٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾ [النساء: 174]

[174]

{ای مردم! در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک نازل کردیم}. [نساء: ۱۷۴].

قرآن کریم همان سخن الله تعالی است که بر پیامبرش محمد - **صلی الله علیه وسلم** - نازل کرده تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد، و به راه مستقیم هدایت کند.

کسی که آن را بخواند پاداشی بس بزرگ دارد، و آنکه رهنمودش را عملی سازد راه درست را پیموده است.

## با ارکان اسلام آشنا میشوم

ایشان - **صلی الله علیه وسلم** - می فرماید: «اسلام بر پنج [رکن] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست، و اینکه محمد فرستاده الله است، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و روزه ماه رمضان، و حج بیت الله الحرام».

ارکان اسلام عباداتی است که هر مسلمان به آن پایبندی می کند، و اسلام شخص درست نیست مگر با باور به اینکه انجام دادن همه آنها واجب است؛ زیرا اسلام بر این ارکان بنا شده است و از این رو آنها را ارکان اسلام می نامند.

این ارکان چنین است:

رکن نخست: گواهی دادن به اینکه معبودی به حق جز الله نیست و اینکه محمد پیامبر الله است.

الله تعالی می فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

مُتَقَلِّبَكُمُ وَمَثَوْنِكُمْ﴾ [محمد: 19]

{پس بدان که معبودی [به حق] نیست جز الله}. [محمد: ۱۹]. و الله تعالی می فرماید:



﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

رَأُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: 128]

{یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سویتان آمد که رنج دیدنتان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است} [توبه: ۱۲۸]

معنای شهادت لا اله الا الله: معبودی به حق جز الله نیست.

معنای گواهی دادن به اینکه محمد فرستاده الله است: طاعت او در آنچه امر می کند، و باور به او در آنچه خبر می دهد، و دوری از آنچه نهی می کند، و نباید الله را عبادت کرد مگر به همان شکلی که او مشروع ساخته است.

رکن دوم: برپا داشتن نماز.

الله تعالی می فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾ [البقرة: 110]

{و نماز را برپا دارید}. [بقره: ۱۱۰].

برپا داشتن نماز با ادای آن به همان شکلی که الله تعالی مشروع ساخته و پیامبرش محمد - صلی الله علیه و سلم - به ما یاد داده است.

رکن سوم: دادن زکات.

الله تعالی می فرماید:

﴿... وَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾ [البقرة: 110]

{و زکات را بدهید}. [بقره: ۱۱۰].

الله تعالی زکات را برای امتحان راستین بودن ایمان مسلمان، و برای ادای شکر پروردگارش که نعمت مال را به او عطا کرده و برای یاری فقرا و نیازمندان، فرض ساخته است.

و دادن زکات با اعطای آن به مستحقان ممکن است.



زکات حقی است واجب در مالی که به مقدار معینی رسیده است. این مقدار به گروه های هشتگانه ای که در قرآن کریم از آنان یاد شده، از جمله فقرا و مساکین (بینوایان) داده می شود.

ادای آن انسان را به صفات رحمت و عطوفت مزین می سازد، و باعث پاک شدن اخلاق و اموال مومن، و خشنود شدن درونی فقرا و مستمندان، و تقویت پیوندهای محبت و برادری در میان افراد جامعه مسلمان می شود، برای همین مسلمان نیکوکار زکات را با طیب نفس عطا می کند در حالی که برای ادایش شاد است، زیرا این کار باعث شادی دیگر مردم می شود.

میزان زکات ۵/۲ درصد (یک چهلم) از اموال ذخیره شده فرد - طلا و نقره و پول نقد و کالاهای تجاری مخصوص خرید و فروش به هدف سود بردن - است، اگر مقدار این اموال از حد معینی بگذرد و یک سال کامل از داشتن آن گذشته باشد.

همینطور زکات برای کسی که تعداد معینی از چهارپایان اهلی (شتر و گاو و گوسفند) داشته باشد واجب است، اگر این حیوانات بیشتر سال را از زمین چرا کرده باشند، صاحبشان علوفه آنها را تامین نکرده باشد.

همینطور زکات بر چیزهایی که از زمین خارج شود از جمله دانه ها و میوه ها و معادن و گنج در صورتی که از حد معینی بگذرد، واجب است.

رکن چهارم: روزه ماه رمضان

الله تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: 183]

{ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید}. [بقره: ۱۸۳].

رمضان، ماه نهم سال در تقویم هجری قمری است. این ماه نزد مسلمانان ماهی است گرامی که جایگاه خاصی در میان ماه های سال دارد، و روزه گرفتن همه این ماه یکی از ارکان پنجگانه اسلام است.



روزه رمضان: دست نگه داشتن از خوردن و نوشیدن و چِمَاع (رابطه جنسی کامل) و دیگر باطل کننده های روزه، از طلوع فجر تا غروب خورشید روزهای ماه مبارک رمضان به قصد عبادت است.

رکن پنجم: حج بیت الله الحرام.

الله تعالی می فرماید:

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا بُرَّهِنَ اللَّهُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: 97]

[و برای الله حج آن خانه بر عهده مردم است، [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد]. [آل عمران: ۹۷]. حج بر عهده کسی است که توانایی رفتن به آن را داشته باشد، و این برای یک بار در زندگی واجب است. حج یعنی: قصد بیت الله الحرام و مشاعر مقدسه در مکه مکرمه برای ادای عبادتی خاص در زمانی معین. پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - و دیگر پیامبران پیش از او حج را به جای آورده اند و الله تعالی ابراهیم - علیه السلام - را امر نمود، تا در میان مردم اعلام حج کند، چنانکه در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ [الحج:

[27]

[و بین مردم برای [ادای] حج ندا بده تا پیاده و [سوار] بر هر [وسیله سفر یا] شتر لاغری، از هر راه دوری به سویت بیایند]. [حج: ۲۷].

## بارکانایمانا شنامیشوم

از پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - درباره ایمان پرسیدند. ایشان فرمودند: «[ایمان] آن است که به الله و ملائکه او و کتابهای او و پیامبرانش و روز آخرت ایمان داشته باشی، و به تقدیر - خیر آن و شر آن - ایمان آوری». ارکان ایمان مجموعه ای از عبادت‌های قلبی است که هر مسلمان ملزم به آن است، و اسلام شخص درست نیست مگر با اعتقاد به این موارد، برای همین آن را ارکان اسلام نامیده اند، و تفاوت میان این ارکان و ارکان اسلام این است که: ارکان اسلام همه اعمالی است آشکار که انسان با اعضا و جوارح خود انجامش می دهد، مانند به زبان آوردن شهادتین و انجام نماز و دادن زکات، و



ارکان ایمان اعمالی است قلبی [و پنهان] که انسان با قلب خود انجامش می دهد، مانند ایمان داشتن به الله و کتابهایش و پیامبرانش.

مفهوم ایمان و معنای آن: ایمان یعنی باور قاطع به الله، و ملائکه اش، و کتابهایش، و پیامبرانش، و آخرت، و تقدیر خیر و شر، و پیروی از هر آنچه پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - آورده است، و پیاده ساختن آن با زبان مانند گفتن لا اله الا الله و قرائت قرآن، و تسبیح و تهلیل و ثنا و ستایش الله،

و انجام آن با اعضا و جوارح آشکار مانند نماز و حج و روزه... و جوارح پنهان که به دل مربوط است، مانند دوست داشتن الله و خشنیت او و توکل بر او و اخلاص برای او.

متخصصان این عرصه، ایمان را به طور خلاصه اینگونه تعریف می کنند: اعتقاد با دل، و گفتن با زبان، و عمل با جوارح، که با طاعت بیشتر می شود و با معصیت کم می شود.

رکن نخست: ایمان به الله

الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ...﴾ [النور: 62]

{همانا مؤمنان کسانی هستند که به الله ایمان آورده اند}. [نور: ۶۲].

مقتضای ایمان به الله این است که در ربوبیت (پروردگاری) و الوهیت (عبادت او) و نامها و صفات او، وی را یگانه بدانیم، که این موارد را در بر می گیرد:

ایمان به وجود او سبحانه و تعالی.

ایمان به پروردگاری او سبحانه و تعالی، و اینکه او مالک هر چیز و خالق هر چیز و روزی دهنده و تدبیرگر امور اوست.

ایمان به الوهیت او سبحانه و تعالی یعنی آنکه تنها او شایسته عبادت است و در هیچ عبادتی شریکی ندارد؛ عباداتی مانند نماز، و دعا، و نذر، و قربانی، و استعانت، و استعاذه، و همه عبادات دیگر.

ایمان به نامهای نیک و صفات والایی که الله خود برای خودش اثبات نموده یا پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - به او نسبت داده است، و نفی هر نام و صفاتی که



خودش نفی کرده یا پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - نسبت دادنش به الله متعال را نفی کرده است، و اینکه نامها و صفات او در اوج کمال و زیبایی است، و اینکه هیچ چیز مانند او نیست و او شنوا و بیناست.

رکن دوم: ایمان به ملائکه

الله تعالی می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِيَا جَنَاحٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَعًا يَرِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: 1]

{ستایش الله را که پدید آورنده آسمانها و زمین است [و] ملائکه را که دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرار داده است، در آفرینش هر چه بخواد می افزاید زیرا الله بر هر چیزی تواناست}. [فاطر: 1].

ایمان داریم که عالم ملائکه یک عالم غیبی است، و اینکه آنها بندگان الله هستند که آنان را از نور آفریده، و آنان را مطیع و فروتن برای خود قرار داده است.

و آنان آفرینشی بس بزرگند که به قدرت و تعداد آنان آگاه نیست مگر الله تعالی، و هر یک ویژگی ها و نامها و وظایفی دارند که الله خاص آنان قرار داده، و جبرئیل - علیه السلام - که مأمور وحی است و آن را از آسمان برای پیامبران می آورد از جمله آنان است.

رکن سوم: ایمان به کتابهای آسمانی

الله تعالی می فرماید:

﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ التَّيِّبُونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: 136]

{بگوئید: ما به الله ایمان آورده ایم و به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] نازل گردید، و [همچنین] به آنچه که به موسی و عیسی داده شده است، و به آنچه که به پیامبران [دیگر] از طرف



پروردگارشان داده شده است؛ [آری به همه آنان ایمان می آوریم] و میان هیچ یک از ایشان تفاوت نمی گذاریم و ما [همگی] تسلیم الله هستیم}. [بقره: ۱۳۶].

باور و پذیرش قاطع اینکه همه کتابهای آسمانی کلام الله هستند.

و اینکه همه آنها با حق آشکار از نزد الله عزوجل بر پیامبرانش و برای بندگان نازل شده اند.

و اینکه الله سبحانه و تعالی با فرستادن پیامبرش محمد - **صلی الله علیه وسلم** - به سوی همه مردم، با شریعت او دیگر شرایع پیشین را نسخ نمود، و قرآن کریم را چیره بر دیگر کتابهای آسمانی و ناسخ آن قرار داد، و حفظ قرآن کریم از هرگونه تبدیل یا تحریف را بر عهده گرفته است. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾﴾ [الحجر: 9]

[به راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن [از هر گونه تبدیل و تحریفی] هستیم}. [حجر: ۹]. زیرا قرآن کریم آخرین کتاب الله تعالی به سوی بشر است، و پیامبرش محمد - **صلی الله علیه وسلم** - آخرین پیامبران است، و دین اسلام همان دینی است که الله تا قیام قیامت برای بندگانش پسندیده است. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّيْنَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۱۹﴾﴾ [آل عمران: 19]

{همانا دین [حق] نزد الله، اسلام است}. [آل عمران: ۱۹].

و کتابهای آسمانی که الله تعالی در کتابش از آنها نام برده اینهاست:

قرآن کریم: که الله متعال بر پیامبرش محمد - **صلی الله علیه وسلم** - نازل نمود.

تورات: که الله تعالی بر پیامبرش موسی - علیه السلام - نازل کرد.

انجیل: که الله تعالی بر پیامبرش عیسی - علیه السلام - نازل نمود.

زبور: که الله تعالی بر پیامبرش داوود - علیه السلام - نازل نمود.



صُحُفِ اِبْرَاهِيمَ: الله تعالى این صحف را بر پیامبرش ابراهیم - علیه السلام - نازل نمود.

رکن چهارم: ایمان به پیامبران

الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصُّلُوتَ...﴾ [النحل: 36]

{و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید] الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید}. [نحل: ۳۶].

باور و پذیرش قاطع اینکه الله تعالی در میان هر امتی پیامبری فرستاده تا آنان را به عبادت الله به یگانگی و بدون شریک، و کفر به هر چه غیر او پرستیده شود فرا بخواند.

و اینکه همه آنان انسان و بنده الله بودند، و آنان راستگو و مورد تایید الله، متقی و امین، هدایتگر و هدایت شده اند، و الله آنان را با معجزاتی که دال بر راستگو بودن آنان است تایید می کند، و آنان همه وظایفی را که الله برای آن مبعوثشان نموده انجام داده اند، و اینکه همه آنان بر حق آشکار و هدایت بوده اند.

و اینکه دعوت همه آنان از اولین تا آخرین در اصل دین یعنی توحید الله عزوجل در عبادت و شرک نیارودن به او، با یکدیگر موافق است.

رکن پنجم: ایمان به آخرت

الله تعالی می فرماید:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَبِجْمَعَتِكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

حَدِيثًا﴾ [النساء: 87]

{الله [معبود بر حق است که] معبودی جز او نیست، و یقیناً همه شما را در روز قیامت - که شکی در آن نیست؛- جمع می کند، و کیست که از الله راستگوتر باشد}. [نساء: ۸۷].

راست شمردن قاطع هر آنچه مربوط به آخرت است، و پروردگار ما عزوجل در کتاب گرامی اش ذکر کرده یا پیامبرمان محمد - **صلی الله علیه وسلم** - بیان کرده اند،





مانند چگونگی وفات انسان و رستاخیز و شفاعت و ترازوی اعمال و حساب و بهشت و دوزخ و دیگر امور مربوط به آخرت.

رکن ششم: ایمان به تقدیر خیر و شر

الله تعالی می فرمایند:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: 49]

{بی تردید، ما هر چیزی را به اندازه آفریده ایم}. [قمر: ۴۹].

اعتقاد به اینکه هر آنچه برای مخلوقات در این دنیا رخ می دهد بر اساس علم الله سبحانه و تعالی و تقدیر اوست که واحد و بی شریک است، و اینکه این تقدیرها پیش از آفرینش انسان نوشته شده اند، و اینکه انسان دارای اراده و خواسته است، و کارهای خود را حقیقتاً خودش انجامش می دهد؛ اما همه اینها خارج از علم و اراده و مشیت الهی نیست.

ایمان به تقدیر بر چهار مرتبه است:

نخست: ایمان به علم شامل و فراگیر الهی

دوم: ایمان به اینکه الله هر آنچه تا قیامت رخ می دهد را نوشته است.

سوم: ایمان به مشیت نافذ و قدرت کامل الهی، بنابراین هر آنچه بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود.

چهارم: ایمان به اینکه الله خالق همه چیز است، و در آفرینش خود شریکی ندارد.

## وضو را یاد می گیریم

الله تعالی می فرمایند:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: 222]

{همانا الله توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد}. [بقره: ۲۲۲]. ایشان - **صلی الله علیه و سلم** - می فرماید: «همانند این وضوی من وضو بگیرید». به سبب شان والای نماز، الله پاکیزگی پیش از آن را مشروع نموده، و آن را شرطی برای درستی نماز



قرار داده است، از این رو وضو کلید نماز است، و احساس فضیلت وضو دل را برای ادای نماز مشتاق می‌سازد، ایشان - **صلی الله علیه وسلم** - می‌فرماید: «پاکیزگی نصف ایمان است... و نماز، نور است». و پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - می‌فرماید: «هر کسی وضو گرفت و آن را با بهترین صورت انجام داد، همه خطاهایش از بدنش خارج می‌شوند».

اینگونه بنده با طهارت حسی وضو، و با طهارت معنوی این عبادت (نماز)، مخلصانه با پیروی از روش پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - به پروردگارش روی می‌آورد.

کارهایی که برایشان وضو واجب است:

۱- نماز؛ هر نمازی چه فرض باشد چه نفل.

۲- طواف کعبه.

۳- لمس مُصَحَّف (قرآن).

با آب طهور غسل و وضو را انجام می‌دهم:

آب طهور یعنی هر آبی که از آسمان فرو آمده باشد یا از زمین برجوشیده باشد و بر همان خلقت نخست خود باقی بماند، و هیچ یک از اوصاف سه گانه آن، یعنی رنگ و مزه و بویش با چیزهایی که پاکی آب را از بین می‌برد تغییر نکرده باشد.

وضو را یاد می‌گیرم

گام نخست: نیت که محل آن قلب است، و نیت یعنی: عزم قلبی برای انجام یک عبادت به قصد تقرب به الله تعالی.

گام دوم: شستن دو دست تا مچ.

گام سوم: مضمضه (آب در دهان زدن).

مضمضه یعنی: وارد کردن آب و گرداندن آن در دهان، سپس بیرون ریختن آن.

گام چهارم: استنشاق (آب در بینی زدن).

استنشاق: یعنی فرو بردن آب از طریق دم به داخل بینی.

سپس استنثار: یعنی بیرون ریختن آب و هر آنچه در بینی است با باز دم.



گام پنجم: شستن صورت.

حد چهره:

چهره (وجه): آن چیزی است که مواجهه با آن رخ می دهد. (آنچه از روبرو از صورت شخص دیده می شود)

حد عرضی چهره: از گوش تا گوش است.

حد طولی چهره: از محل عادی رویش مو در بالای پیشانی تا پایان چانه.

شستن صورت در وضو از همه موهای کم پشت صورت، و همینطور برجستگی کنار گوش و منطقه ای که میان این برجستگی و گوش قرار دارد را در بر می گیرد.

بیاض: منطقه میان برجستگی استخوانی کنار گوش و گوش است.

عذار: مویی است که بر روی استخوان برجسته موازی با سوراخ گوش می روید، و همچنین قسمت پایتتر آن تا خود گوش.

همچنین شستن صورت همه موهای آشکار ریش پرپشت و آویزان آن را در بر می گیرد.

گام ششم: شستن دستان که از نوک انگشتان دو دست آغاز می شود و تا آرنج ادامه می یابد.

و آرنج نیز بخش واجب شستن دستان را در بر می گیرد.

گام هفتم: یک بار مسح همه سر با دو دست به همراه گوشها.

مسح را از جلوی سر آغاز می کند و تا پشت سر ادامه اش می دهد، سپس دستانش را دوباره به جلو سر باز می گرداند.

و انگشتان سبابه اش را به گوشش وارد می کند.

و با انگشت شست، پشت گوش را مسح می کند و اینگونه هم پشت گوش و هم داخل گوش را مسح می کند.

گام هشتم: شستن پاها از آغاز انگشتان دو پا به سمت کعبین. شستن کعبین (استخوان برجسته دو طرف پا) نیز فرض است.



کعبین: دو استخوان برجسته در پایان ساق پا است.

وضو با این موارد باطل می شود:

۱- هر آنچه از پس و پیش (مجرای مدفوع و ادرار) خارج شود، مانند ادرار و مدفوع و باد و منی و مذی.

۲- زوال عقل به واسطه خواب عمیق یا بیهوشی یا مستی یا جنون.

۳- هر آنچه غسل را واجب می سازد مانند جنابت و حیض و نفاس.

هرگاه انسان قضای حاجت نمود واجب است که نجاست را با آب طهور از بین ببرد که این بهتر است، یا با هر چیزی غیر از آب طهور که نجاست را از بین ببرد مانند سنگ و کاغذ و پارچه و مانند آن، به این شکل که پاک کردن با سه بار مسح موضع یا بیشتر و با وسیله پاک و مباح باشد.

## مسح بر خفینو جوراب

در صورتی که خف (موزه، پاپوش چرمی) یا جوراب پوشیده، می تواند برای وضو بر روی آن مسح کند، بدون آنکه نیازی به شستن پاها باشد اما به چند شرط:

۱- اینکه آنها را پس از طهارت کامل از حدث اصغر و حدث اکبر پوشیده باشد، و پاهایش را شسته باشد. (یعنی جنب نباشد و وضو داشته باشد، اما وضویی که در آن پایش را شسته باشد).

۲- اینکه پاها پاک باشد و نجس نباشد.

۳- اینکه مسح در مدت مورد اجازه باشد (یک شبانه روز برای مقیم و سه شبانه روز برای مسافر).

۴- اینکه خف یا جوراب حلال باشد، یعنی دزیده شده یا غصبی نباشد.

خف یا موزه پاپوشی است از چرم نازک یا شبیه آن، که شخص می پوشد و مانند آن هر کفشی است که پاها را کامل بپوشاند (از جمله کعبین راه، مانند پوتین).

جوراب: چیزی است که انسان پاهایش را با آن می پوشاند و از جنس پارچه و مانند آن است.



حکمت مشروعیت مسح بر خُفین:

حکمت از مسح بر موزه، آسانگیری و تخفیف بر مسلمانان است تا آنکه با در آوردن موزه یا جوراب و شستن پاها بر آنها سخت گرفته نشود، به ویژه در هنگام زمستان و سرمای شدید و در سفر.

مدت مسح:

مقیم: یک شبانه روز (۲۴ ساعت).

مسافر: سه شبانه روز (۷۲ ساعت).

حساب این مدت مسح، از اولین مسح بر خفین یا جوراب پس از بی وضو شدن آغاز می شود.

روش مسح بر خفین یا جوراب:

۱- دست را خیس می کنی.

۲- دست را بر روی پاها می کشی (از نوک انگشتان پا تا اول ساق).

۳- پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح می شود.

باطل کننده های مسح:

۱- هر آنچه غسل را واجب کند.

۲- پایان مدت مسح.

## غسل

اگر مرد یا زن جماع کند یا منی همراه با شهوت از آنها در حال بیداری یا خواب خارج شود؛ غسل بر آنها واجب می شود تا بتوانند نماز بخوانند یا کارهایی که نیازمند طهارت است را انجام دهند. همچنین زن وقتی از حیض و نفاس پاک می شود غسل بر او واجب می شود تا بتواند نمازها یا کارهایی که نیازمند طهارت است را انجام دهد.

روش غسل اینگونه است:



اینکه آب را به هر شکل به همه بدنش برساند، از جمله آب در دهان و بینی زدن، پس هرگاه آب به همه بدنش رسید حدث اکبر او به پایان می رسد، و طهارتش کامل می شود.

انجام این کارها بر شخص جُنُب ممنوع است، تا آنکه غسل کند:

- ۱- نماز.
- ۲- طواف کعبه.
- ۳- ماندن در مسجد. عبور از مسجد بدون ماندن در آن برای او جایز است.
- ۴- لمس مُصَحَف (قرآن).
- ۵- قرائت قرآن.

## تیمم

اگر مسلمان برای طهارت آب نیافت یا به سبب بیماری و مانند آن نتوانست از آب استفاده کند و ترسید که وقت نمازش بگذرد، با خاک تیمم می کند.

روش آن اینگونه است که با دستانش یک ضربه [بر خاک] می زند، سپس با آن فقط چهره و کف دستانش را مسح می کند، و شرط است که خاک مورد نظر پاک باشد.

تیمم با این موارد باطل می شود:

- ۱- تیمم با هر چیزی که وضو را باطل می کند، باطل می شود.
- ۲- اگر پیش از انجام عبادت مورد نظر که برایش تیمم کرده، آب پیدا شود.

## نماز را فرامیگیرم

الله متعال برای مسلمان در شبانه روز پنج نماز را فرض کرده است: نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء.

برای نماز آماده می شوم



هرگاه وقت نماز فرا رسیده، مسلمان خود را از حدث اصغر و حدث اکبر پاک می کند و اگر جنب بود خود را از حدث اکبر نیز پاک می کند.

حدث اکبر یعنی: هر آنچه غسل را بر مسلمان واجب می سازد.

حدث اصغر یعنی: هر آنچه وضو را بر مسلمان واجب می سازد.

مسلمان با لباس پاک، در جایی پاک از نجاسات، و در حالی که عورت خود را پوشانده است نماز را به جا می آورد.

مسلمان با لباسی شایسته در وقت نماز حاضر می شود، و برای مرد جایز نیست که در هنگام نماز چیزی از بدن او مابین ناف و زانو آشکار باشد.

برای زن واجب است که در هنگام نماز همه بدن خود را به جز چهره و کف دست بپوشاند.

مسلمان در نماز سخنی نمی گوید مگر اذکار و اوراد مخصوص نماز، و به امام گوش فرا می دهد، و در نمازش به این سو و آن سو توجه نمی کند، و اگر نتوانست اذکار و اقوال خاص نماز را بگوید ذکر و تسبیح پروردگار را به جای می آورد تا نمازش به پایان برسد، و لازم است که هر چه زودتر نماز و اقوال نماز را فرا بگیرد.

نماز را فرا می گیرم

گام اول: نیت برای فریضه ای که می خواهم انجام دهم، و محل نیت دل است.

پس از وضو رو به قبله می ایستم، و اگر توانایی آن را دارم ایستاده نماز می گزارم.

گام دوم: دستانم را تا برابر شانه هایم بالا می برم و می گویم: «الله اکبر» و نیت وارد شدن به نماز می کنم.

گام سوم: دعای استفتاح را چنانکه در سنت آمده می خوانم. از جمله این دعا: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» (تنزیه و ستایش تو را می گویم. نامت خجسته است و کبریا و عظمت تو والاست، و معبودی به حق جز تو نیست). گام چهارم: از شیطان رجیم به الله پناه می برم و می گویم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (از شیطان رانده شده به الله پناه می برم). گام پنجم: سوره فاتحه را در همه رکعات می خوانم:



﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ① الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④  
 ⑤ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑥ أِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑦ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ  
 الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿﴾ [الفاتحة: 1-7]

به نام الله بخشنده مهربان (۱) ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است  
 (۲) رحمت گستر مهربان (۳) مالک روز جزاست (۴) [پروردگارا] تنها تو را عبادت  
 می کنیم و تنها از تو یاری [و مدد] می جوییم (۵) ما را به راه راست هدایت فرما [و  
 همواره ثابت قدم بگردان] (۶) راه کسانی [همچون پیامبران، شهیدان، راستگویان و  
 نیکوکاران] که به آنان نعمت داده ای، نه [راه] کسانی که بر آنان خشم گرفته شده است  
 [= یهود] و نه [راه] گمراهان [= نصاری] (۷)

پس از سوره فاتحه در رکعت اول و دوم، آنچه که برایم امکان داشت از قرآن می  
 خوانم و این واجب نیست اما انجامش پاداش فراوان دارد.

گام ششم: «الله اکبر» می گویم و به رکوع می روم تا جایی که کمرم صاف (در یک  
 خط) قرار گیرد و دستانم را در حالی که انگشتانم باز است بر زانو می گذارم، سپس در  
 رکوع می گویم: «سبحان ربي العظيم» (پاک و منزّه است پروردگار بزرگ من).

گام هفتم: از رکوع بلند می شوم و «سمع الله لمن حمده» (الله آنکه حمدش را گفت،  
 شنید) می گویم و دستانم را تا روبروی شانه ها بالا می آورم، و هنگامی که راست  
 ایستادم می گویم: «ربنا ولك الحمد» (پروردگارا ستایش برای توست).

گام هشتم: «الله اکبر» می گویم و بر دو دست و دو زانو و دو پا و پیشانی و بینی به  
 سجده می روم، و در حال سجده می گویم: «سبحان ربي الأعلى» (پاک و منزّه است  
 پروردگار والای من).

گام نهم: «الله اکبر» می گویم و از سجده برمی خیزم تا آنکه کاملاً بنشینم و کمرم  
 صاف شود و بر پای چپ می نشینم و پای راست را عمود بر زمین قرار می دهم، و  
 می گویم: «رب اغفر لی» (پروردگارا مرا مغفرت کن).

گام دهم: «الله اکبر» می گویم و بار دیگر مانند سجده اول، به سجده می روم.

گام یازدهم: سر از سجده برمی دارم و «الله اکبر» می گویم تا آنکه کاملاً بایستم، و  
 سپس دیگر رکعات نماز را مانند رکعت اول انجام می دهم.





پس از رکعت دوم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا برای خواندن تشهد می نشینیم. صیغۀ تشهد اینگونه است: «التحیات لله والصلوات والطیبات، السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله» (همۀ بزرگداشت ها و درودها و پاکی ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله، و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است). سپس برای انجام رکعت سوم برمی خیزیم. در رکعت پایانی هر نماز برای خواندن تشهد پایانی می نشینیم و می گویم: «التحیات لله والصلوات والطیبات، السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد، كما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم، إنک حمید مجید. اللهم بارک علی محمد وعلی آل محمد، كما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم، إنک حمید مجید» (همۀ بزرگداشت ها و درودها و پاکی ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است، خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود بفرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود ارزانی داشتی، تو ستوده شده و باشکوهی. خداوندا بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار، چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و باشکوهی).

گام دوازدهم: پس از آن به سمت راستم سلام کرده می گویم: «السلام علیکم ورحمة الله» و به سمت چپم سلام کرده و می گویم: «السلام علیکم ورحمة الله» و نیت خارج شدن از نماز می کنم، و اینگونه نماز را به پایان می رسانم.

## حجاب زن مسلمان

الله تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَٰلِكَ

أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾ [الأحزاب: 59]

(ای پیامبر، به همسران و دخترانت و دیگر زنان مؤمن بگو که چادرهایشان را به شایستگی بر [سر و سینه] خویش بیفکنند. این [گونه پوشش] مناسبتر است به اینکه [در جامعه به متانت و وقار] شناخته شوند و [در نتیجه،] مورد آزار [افراد هرزه] قرار



نگیرند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است) [احزاب: ۵۹]. الله متعال برای زنان مسلمان حجاب و پوشش عورت و همهٔ بدن را در برابر مردان نامحرم با همان پوشش رایج در منطقه شان واجب نموده است، و برداشتن حجاب برای آنان جایز نیست مگر در برابر همسر یا محارم، و منظور از محارم کسانی است که به شکل ابدی ازدواج با آنان حرام است، یعنی: «پدر و بالاتر (پدر بزرگ، پدر پدر بزرگ و...)، فرزند و پایین تر (نوه، فرزند نوه و...)، عموها، دایی ها، برادر و فرزند برادر و فرزند خواهر و همسر مادر و پدر همسر و بالاتر (پدربزرگ همسر و...) و فرزند همسر و پایین تر (نوهٔ همسر و...)، و برادر شیری و همسر زنی که به او شیر داده است، و شیر دادن همان چیزی را که نسب حرام می سازد، حرام می کند».

زن مسلمان چند ضابطه را در لباس خود رعایت می کند:

نخست: پوشاندن همهٔ بدن.

دوم: لباسی نباشد که زن به قصد زینت می پوشد.

سوم: شفاف نباشد آنطور که بدن از پشت آن مشخص شود.

چهارم: گشاد باشد و تنگ نباشد و بدن او را جلوه ندهد.

پنجم: معطر نباشد.

ششم: شبیه به لباس مردان نباشد.

هفتم: شبیه به لباس زنان غیرمسلمان که در هنگام عبادت یا در اعیادشان می پوشند نباشد.

برخی از صفات مؤمنان:

الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: 2]

{بی تردید، مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی الله یاد می شود، دل‌هایشان بترسد و هرگاه آیاتش بر آنان خوانده می شود، بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگارشان توکل می کنند} [انفال: ۲].



- راستگو است و دروغ نمی گوید.
- به پیمان و وعده اش وفا می کند.
- در دشمنی از حد به در نمی رود.
- امانت را ادا می کند.
- برای برادر مسلمانش همان چیزی را می پسندد که برای خود می پسندد.
- کریم و سخاوتمند است.
- به مردم نیکی می کند.
- پیوند خویشاوندی اش را پیوسته می دارد.
- به تقدیر الله خشنود است و در حال خوشی صبر می کند و در سختی ها صبر پیشه می سازد.
- باحیا است.
- در حق خلائق مهربان است.
- دل او از کینه و دستش از اعتدا به دیگران پاک است.
- از مردم می گذرد.
- ربا نمی خورد و معامله ربوی نمی کند.
- زنا نمی کند.
- خمر (مست کننده) نمی نوشد.
- به همسایگان خود نیکی می کند.
- ستم نمی ورزد و خیانت نمی کند.
- دزدی و کلاهبرداری نمی کند.
- در حق پدر و مادر خود نیکوکار است، حتی اگر مسلمان نباشند، و در نیکی از آنان اطاعت می کند.



- فرزندان خود را بر اساس فضیلت تربیت می کند، و آنان را به انجام واجبات شرعی امر می کند، و از رذیلت و حرام باز می دارد.
- در کارهای دینی غیر مسلمانان یا در عاداتی که از ویژگی ها و نشانه های آنان است، خود را به آنها شبیه نمی سازد.

## خوشبختی مندر اسلامناست

الله تعالی می فرماید:

﴿تَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: 2]

{هر کسی که کار شایسته ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم، و مسلماً پاداششان را به [حسب] بهترین اعمالی که انجام می دادند؛ به آنها می دهیم}. [نحل: ۹۷]. از بزرگترین عوامل شادی و گشایش سینه و خوشبختی قلبی مسلمان، ارتباط مستقیم او با پرورگارش است، ارتباطی که هیچ واسطه ای اعم از زندگان یا مردگان یا بت ها در آن نیست. الله تعالی در کتاب گرامی اش بیان داشته که وی همواره به بندگانش نزدیک است، و آنان را می شنود و دعایشان را اجابت می کند، چنانکه می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا

بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: 186]

{و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند؛ اجابت می کنم. پس [انان] باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند} [البقرة: ۱۸۶]. الله سبحانه ما را امر نموده تا او را به دعا بخوانیم، و دعا را از بزرگترین عباداتی قرار داده که مسلمان با آن به پروردگارش نزدیکی می جوید، چنانکه می فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

دَاخِرِينَ﴾ [غافر: 60]



{و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم}. [غافر: ۶۰]، بنابراین مسلمان شایسته همواره به پروردگارش نیازمند است، و به درگاه او دعا می کند، و با عبادات نیک به او نزدیکی می جوید.

الله تعالی ما را برای حکمتی بس بزرگ به این دنیا آورده و بیهوده نیافریده است؛ آن هدف بزرگ عبادت الله به یگانگی است، و برای ما دینی ربانی و فراگیر قرار داده که همه امور خصوصی و عام زندگی ما را سامان می بخشد و با این شریعت دادگرانه، همه ضروریت های زندگی یعنی دین و جان و آبرو و عقل و مال ما را حفظ کرده است. کسی که با پیروی از اوامر شرع و دوری از حرام ها زندگی کند این ضرورتها را حفظ کرده و بدون شک در زندگی اش خوشبخت و آرام خواهد زیست.

ارتباط مسلمان با پروردگارش رابطه ای است عمیق که آرامش و صلح درونی و احساس امنیت و سرور را در پی دارد، و باعث می شود بنده معیت الهی و عنایت و طرفداری او از بنده مؤمنش را حس کند. الله تعالی می فرماید:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: 257]

{الله یاور کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می آورد} [بقره: ۲۵۷].

این رابطه والا حالتی است درونی که با احساس شیرینی ایمان، لذت بردن از عبادت پروردگار رحمان و شوق دیدار او و پرواز دل در آسمان سعادت را در پی دارد.

این شیرینی را نمی تواند توصیف کند مگر کسی که با انجام طاعات و دوری از گناهان تجربه اش کرده باشد، از این روی پیامبر محمد - **صلی الله علیه و سلم** - می فرماید: «مزه ایمان را کسی می چشد که از الله به عنوان پروردگار و اسلام به عنوان دین و محمد به عنوان پیامبر خشنود باشد».

آری اگر انسان حضور دائمی خود در پیشگاه پروردگارش را به یاد داشته باشد، و او را با نامهای نیکش و صفات و الایش بشناسد، و الله را چنان عبادت کند که گویا او را می بیند، و در عبادتش برای الله اخلاص ورزد، و هدفی جز خشنودی او جل جلاله نداشته باشد، زندگی پاک و سعادت‌مندانانه را در دنیا، و عاقبت نیک را در آخرت خواهد زیست.



حتی مصیبت هایی که در دنیا برای مؤمن رخ می دهد، این خنکی یقین و خشنودی به تقدیر الله تعالی و حمد او برای همه تقدیرهای خیر یا شر الله و خشنودی کامل به آن است، که داغ این مصیبت ها را از بین می برد.

از دیگر اموری که لازم است یک مسلمان برای بیشتر شدن سعادت و آرامش خود به آن توجه کند، ذکر بسیار الله تعالی و تلاوت قرآن کریم است. الله تعالی می فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: 28]

{کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد الله آرام می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دل ها آرام می گیرد}. [رعد: 28]. و هر چقدر یک مسلمان بر یاد الله و تلاوت قرآن بیفزاید، ارتباط او با الله تعالی بیشتر می شود، و نفس او پاک شده و بر ایمانش افزوده می شود. همینطور برای مسلمان لازم است که به آموختن امور دینش از منابع صحیح توجه کند تا آنکه الله را بر اساس بینش درست عبادت کند. پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - می فرماید: «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»، و اینکه تسلیم او امر الله متعال باشد که او را آفریده است، چه حکمت این اوامر را بداند یا خیر، زیرا الله تعالی در کتاب گرامی اش می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: 36]

{برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می دهند، [در اجرای آن فرمان]، اختیاری داشته باشد؛ و هر کس از الله و رسولش نافرمانی کند، حقا که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است} [الأحزاب: 36].

و درود الله متعال بر پیامبرمان محمد و بر آل ایشان و همه اصحابشان باد.

پایان.

فهرست موضوعات

شماره

موضوع

صفحه



بازگشت به جلد کتاب

انتقال به فهرست موضوعات

تجربه تان از این کتاب را با ما به اشتراک بگذارید

از سایت دیدن فرمایید

کتاب تعاملی موبایل

برای انتقال به موضوع کلیک کنید

برای بازگشت به جلد کتاب کلیک کنید

بارکد را اسکن کنید

اسلاید آموزشی (پاورپوینت)

محصولات پروژه

کتاب چاپی

کتاب موبایل

وب سایت

نمایش پاورپوینت

نسخه ویژه موبایل هوشمند



## خلاصه

- 2.....مختصر و مفید، برای مسلمان جدید
- 4.....مقدمه
- 6.....پروردگار منالهاست
- 7.....پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم است
- 8.....قرآن سخن پروردگار مناست
- 9.....بارکاناسلام آشنا می شوم
- 12.....بارکانایمان آشنا می شوم
- 17.....وضو را یاد می گیرم
- 20.....مسحبر خفینو جوراب
- 21.....غسل
- 22.....تیمم
- 22.....نماز را فرامی گیرم
- 25.....حجابز ن مسلمان
- 28.....خوشبختی من در اسلام مناست





موسوعة المصطلحات الإسلامية  
TerminologyEnc.com



موسوعة تضم ترجمات المصطلحات  
الإسلامية وشروحاتها بعدة لغات



موسوعة الأحاديث النبوية  
HadeethEnc.com



موسوعة تضم ترجمات للأحاديث  
النبوية وشروحاتها بعدة لغات



موسوعة القرآن الكريم  
QuranEnc.com



موسوعة تضم تفاسير وتراجم  
موثوقة لمعاني القرآن الكريم

IslamHouse.com



مرجعية مجانية إلكترونية  
موثوقة للتعريف بالإسلام



منتقى  
المحتوى الإسلامي



موسوعة تضم المنتقى من  
المحتوى الإسلامي باللغات

# تحت الإسلام بأكثر من 100 لغة

جمعية خدمة المحتوى  
الإسلامي باللغات



جمعية الدعوة  
وتوعية الجاليات بالربوة

